نقد و تحلیل شیوهٔ سعید نفیسی در تصحیح متون ادبی کلاسیک فارسی

ناصر نیکوبخت

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

عباس رنجبران*

چکیده

احیای آثار مکتوب هر جامعه، راهی برای شناخت بهتر فرهنگ و تمدن آن جامعه است. دانش نقد و تصحیح متون در نظر دارد با بررسی نسخه‌های خطی گذشتگان، غبار تحریف و دگرگونی را ـ که به واسطه گذشت روزگار بر چهره آن‌ها نشسته ـ فرو نشاند. سعید نفیسی از محققان پیشرویی است که در این راه گام نهاد و متونی را برای نخستین بار به شیوه انتقادی تصحیح کرد. نفیسی در برهه‌ای از زندگی در تصحیح متون، شیوه‌های انتقادی معمول خاورشناسان را به کاربرد، اما در سال‌های بعد، این روش را کافی ندانست و شیوه خاص دیگری برگزید. این متون نسبت به متون قبل از خود، به عنوان نخستین تصحیحات انتقادی مطرح شدند و با وجود تصحیحات جدیدتری بر روی متون تصحیح‌شدهٔ نفیسی، برخی از آثار نفیسی جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. در این جستار با بررسی ده متن از متون مصحّح به وسیله ایشان، شامل شش اثر منظوم (*دیوان انوری*، *دیوان عطار*، *دیوان عمعق*، *دیوان رشید وطواط*، *رباعیات بابا افضل*، *کلیات عراقی*) و چهار اثر منثور (*تاریخ بیهقی*، *گشایش و رهایش*، *لباب‌الالباب*، *رساله فریدون سپهسالار*)، با توجه به برخی ملاک‌ها که در تصحیح یک متن لازم است، شیوه‌ها و دیدگاه‌های انتقادی وی بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: تصحیح متون، سعید نفیسی، نسخهٔ خطی، نقد متون.

---

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۸۶/۷/۱۴ **تاریخ پذیرش:** ۸۶/۱۱/۳

مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، شماره ۶۰، بهار ۱۳۸۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

مقدمه

نسخه‌های خطی در هر زبان، سند هویت آن زبان و ابزار انتقال دانش و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. نظر به این‌که این آثار طی زمان با خطر دگرگونی و فراموشی مواجهند، ضروری است که از طریق دانش نقد و تصحیح متون، غبار فراموشی و نابودی را از چهرهٔ آن‌ها بزداییم و به صورتی مقبول و مطلوب به آیندگان عرضه داریم. به‌علاوه اهمیت دیگر فن تصحیح متون از آن‌جاست که «مقدمه‌ای برای هرگونه ارزیابی انتقادی است» (دیچز، ۱۳۳٦: ۵۰۲) و اصولاً هرگونه نقادی در متون ادبی، وابسته به وجود متنی درست و معتبر است؛ زیرا منتقد باید اطمینان حاصل کند که به بررسی همان اثری می‌پردازد که اصالتاً از زیردست صاحب اثر بیرون آمده است (امامی، ۱۳۳۷: ۱۰۳). از این رو هنگامی که نقد متون در شکل تصحیح متون ظاهر می‌شود، هدف این است که از روی نسخ خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر احیا و مرتب و مدوّن، به صورتی عرضه شود که خواننده اهل تحقیق بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر را در اختیار ندارد، به نسخه‌ای دسترسی دارد که به صورت اصلی و شکلی که مصنّف و مؤلف اصلی نوشته، بسیار نزدیک است (زرین‌کوب، ۱۳۷۱: ۲۷).

تصحیح متون پیشینه‌ای طولانی دارد؛ «این پدیده در ایران از سدهٔ سوم هجری در تمدن اسلام تداول یافت» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۸٤) و به عنوان علمی پویا در طول تاریخ تحولاتی را پشت سر نهاد. تحول اساسی تصحیح متون همزمان با رواج اسباب و ابزار چاپ بود؛ در این زمان در شبه قاره هند برخی نسخه‌های خطی با تصحیحات ذوقی به چاپ سنگی رسید (همان، ۳۸۵)، اما «اسلوب تصحیح انتقادی در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم به اهتمام مستشرقان رواج یافت» (همان، ۳۸۹). همزمان با تلاش‌های خاورشناسان در مغرب زمین، در ایران نیز چند تن از محققان ادب فارسی از جمله، محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و سعید نفیسی، متونی را به طبع رساندند.

پس از اختراع فن چاپ، نقد و تصحیح متون، مراحل چهارگانه‌ای را طی کرد. چاپ‌های شبه قاره به مرحله اول، یعنی "دوره چاپ‌های متعدد" مربوط می‌شود، دوره

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

دوم یا "دوره چاپ‌های انتقادی یا منقّح"، دوره‌ای است که تصحیح متن به وسیله برخی نسخه‌های قدیم به دست آمده از اثر انجام شده و چاپ‌های دوره اول را به فراموشی سپرده است. دوره سوم یا "دوره چاپ نهایی" زمانی است که به مدد بحث‌های انتقادی دوره دوم و نسخه‌های کهن‌تر و نزدیک به عصر مؤلف، چاپی به دست می‌آید که می‌توان آن را نسخه نهایی و نسبتاً کامل به شمار آورد. دوره چهارم "دوره نقد ادبی" است که جهت "کشف هنر ادبیات" به بررسی تغییرات و اصلاحاتی پرداخته می‌شود که خود مؤلف (شاعر یا نویسنده) در آثارش وارد کرده است (نجفی، ۱۳۷۵: ۱۹۳-۱۹٤ و ۲۰۵).

کلیاتی دربارهٔ تصحیحات نفیسی

سعید نفیسی از پیشروان احیای متون فارسی است و در طی حیات پر بار خود ۳۸ متن از متون ادبی و تاریخی را تصحیح کرد و به زیور طبع آراست. کارهای نفیسی در زمینهٔ تصحیح متون متنوع است؛ نه تنها به متون منظوم، بلکه به متون منثور در حوزهٔ تاریخ و ادب نیز توجه کرد. نقد و تصحیح متون خطی علاوه بر شمّ ادبی، به حوصله‌ای وسیع نیاز دارد و نفیسی با داشتن چنین صفاتی، نسخه‌های خطی پراکنده در سراسر جهان را با شعفی غیرقابل وصف گردآوری کرد و غبار تحریف و تصحیف از آن‌ها زدود و به جامعهٔ ادب و فرهنگ اهدا کرد.

چنان‌که از آثار نویسنده بر می‌آید، اولین شاعری که توجه وی را به خود مشغول داشت، حکیم عمر خیام نیشابوری بود و نفیسی مجموعه‌ای از رباعیات وی را فراهم کرد.

در احوال باباافضل، نخستین بار نفیسی در "انجمن ادبی ایران" سخنرانی‌ای ایراد کرد و پس از نشر مقالتی در احوال وی، با نگارش مفصل احوال و جمع‌آوری رباعیات او از منابع مختلف (سی سند)، نقد و پژوهش خود را در این زمینه تکمیل کرد. در تصحیح و چاپ *دیوان رشید وطواط* ـ که تاکنون اولین تصحیح از این اثر است ـ برخی نکات را که در احوال و آثار این شاعر وجود داشت و در تحقیقات پژوهش‌گران قبل (از جمله عباس اقبال و قاسم تویسرکانی) به نتیجه قطعی نرسیده بود، روشن کرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

بحث انتقادی بر نظریات قزوینی در کتاب *لباب‌الالباب*، فراهم کردن سه چاپ از *دیوان عطار*، تصحیح *کلیات عراقی* و *دیوان انوری* و نگارش احوال این بزرگان، معرفی نسخه *گشایش و رهایش* برای اولین بار (و اثبات آن برای ناصر خسرو) و تصحیح و انتشار آن، انتشار *رساله فریدون سپهسالار* برای اولین بار در ایران، جمع‌آوری انتقادی اشعار عمعق از منابع پراکنده در سراسر جهان و دیگر کارهای او در این زمینه، نقطه عطفی در تحقیقات ادبی است و شخصیت نفیسی را در مقام ادیبی پیشرو در این عرصهٔ ادبی، هم‌چون دیگر عرصه‌های این شاخه، جاودان ساخت.

رویکرد نفیسی در تصحیح متون

بررسی متون تصحیح‌شده به وسیلهٔ نفیسی، نشان می‌دهد که وی در تصحیح متون از روش‌های چندی استفاده کرده است. در متونی که در ایام جوانی و حتی بعد از آن تا سال‌های ۱۳۲۰ تصحیح کرده، از شیوه متداول خاورشناسان، یعنی تصحیح بر پایه اصول انتقادی پیروی کرده است.

نفیسی سال‌ها بعد، شیوهٔ متداول مستشرقان را کافی ندانست و به انتقاد از آن پرداخت. در زمانی که *دیوان انوری* را تصحیح می‌کرد، در مقدمه کتاب، کار مصححان غربی در تصحیح متون فارسی را به نقد کشید و ضبط نسخه‌بدل‌ها توسط آنان را بیهوده و باعث افزایش حجم کتاب و سرگردانی خواننده دانست.

نفیسی دربارهٔ تصحیح متون چنین اظهارنظر می‌کند:

«در تصحیح اشعار، آگاهی کامل از زبان هر شاعر و انسی که وی به کلمات و ترکیبات و اصطلاحات داشته، لازم‌تر از هر چیزی است، وانگهی پیش و پس کلمهٔ مشکوک و مناسباتی که با معنی شعر دارد و لطایف و صنایعی که متکی به این کلمه است، خود بهترین راهنما در تصحیح شعر است و اگر هم همه نسخه‌ها نادرست باشد، مصحح می‌تواند و باید کلمه درست را از ذهن خود و انس و عادت خود و عرف زبان به دست آورد و به جای کلمه نادرست بگذارد» (انوری،۱۳۳۷: ٥٤).

با این توصیف، نفیسی به اظهارنظر و تصرف مصححان صاحب فن و آگاه باور دارد و شمّ ادبی را در این کار ارجح می‌داند و به مصحح آشنا به زبان، اجازه می‌دهد در جاهایی که نسخ اشکال دارند از خود تصرف کند و لغت مناسب را برگزینند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

با توجه به اشاراتی از نفیسی و ملاحظهٔ آثار وی، درمی‌یابیم که نفیسی سعی کرده یک نسخه معتبرتر را انتخاب و با دیگر نسخ مقابله و کاستی‌ها را جبران کند. مثلاً در تصحیح *دیوان انوری*، از نسخهٔ قصاید مربوط به قرن نهم، بیشتر بهره برده و نسخه‌ای دیگر را با چاپ تبریز مقابله می‌کند. در تجدید چاپ و مقابله با نسخ جدید، نفیسی تنها اشکالات بسیار واضح چاپ قبلی را رفع می‌کند و با این‌که به چندین نسخهٔ دیگر دست یافته، تنها یکی از آن‌ها را با نسخ چاپ اول مقابله می‌کند؛ در حالی که با مقایسه *دیوان عطار* چاپ نفیسی و تقی تفضلی درمی‌یابیم، برخی از ضبط‌های نسخهٔ قدیم ایشان (نسخه مورخ شعبان ۷۳۱ متعلق به کتابخانه سلطنتی که تفضلی نیز در اختیار داشته) بهتر بوده است.

نسخه‌شناسی در اندیشهٔ نفیسی

نسخه‌های مورد استفاده نفیسی معمولاً نسخی معتبر است. اما بعد از نفیسی در برخی از متون مورد بررسی ما (*دیوان انوری*، *دیوان عطار*، *رباعیات بابا افضل*، *تاریخ بیهقی*، *رساله فریدون سپهسالار*) نسخه‌های قدیم‌تر به دست آمده است. مقایسه متون مصحح نفیسی با تصحیحات بعد از وی نشان می‌دهد که گاه ضبط‌های نفیسی با نسخه‌های متأخرتر همخوانی بیشتری دارد. اگر *کلیات عراقی* را در نظر بگیریم، در جاهایی که اختلاف هست، ضبط‌های نفیسی، بیشتر با نسخه‌های "ح" و"ن" محتشم همخوانی دارد؛ «نسخه "ح" نسخه‌ای از دیوان است بدون تاریخ، و کامل و بدون نقص، و نسخه "ن" نسخه‌ای است به تاریخ ۷۲۹» (محتشم، ۱۳۷۲: هشتاد و هشتاد و یک) و این دو نسخه چون در نسخه‌بدل‌های چاپ محتشم وارد شده، مشخص است که از نسخه‌های معتبر بوده است.

نسخه‌شناسی علمی، پایه اصلی در تصحیح متون است. دراین باره نفیسی در برخی متون، نسخه‌های مشابه را از دور خارج و با چند نسخه معتبرتر شروع می‌کند. «شیوه انتقادی این است که در متون به‌ویژه متون منظوم، نسخه‌شناسی تاریخی را مطمح نظر داریم و اگر نسخه‌های قدیم وجود داشته باشد، آن را اساس قرار دهیم» (مایل هروی، ۲۰۷:۱۳۶۹) و جز در مواقعی که روایت نخستین دستخوش اضطراب است، از روایت ثانوی کمک نگیریم (برگشتراسر، ۱۳۷۰: ۵۵). برهمین مبنا لازم بود نفیسی در تصحیح

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

کلیات عراقی، نسخه کتابخانه جارالله را ـ که قدیم‌ترین نسخه‌ای است که تاکنون به دست آمده است ـ اساس قرار می‌داد. گرچه در چاپ نفیسی روایت‌هایی وجود دارد که به نسبت چاپ محتشم ـ که با اساس قرارگرفتن نسخه کتابخانه جارالله ترتیب یافته ـ بهتر است؛ روایات صحیحی نیز هست که در تصحیح اخیر دیده می‌شود و ظاهراً در نسخه مورد استفاده نفیسی، کاتب به‌طور دقیق ضبط نکرده است؛ مثلاً نفیسی درباره بیت:

تا معطر شود همه آفاق بگشایند زلف جانان را

می‌نویسد: «کلمهٔ "بگشایند" در نسخهٔ اصل "بگشانید" بوده و خود به شکل مذکور تصحیح کرده است» (عراقی، ۱۳۳۵: ٦٦). این ضبط در چاپ محتشم "بگشا بند" است (محتشم، ۱۳۷۲: ٦۷) و با توجه به ابیات قبل و بعد قصیده ـ که امر به مفرد مخاطب است ـ ضبط اخیر صحیح‌تر می‌نماید. البته تصحیح نفیسی مطابق با نسخه "ن" محتشم و تصحیحی است صحیح، ولی نکته‌ای که شاید بتوان بر آن انگشت نهاد، ضعف در مقابله تمام نسخ و اشکال در انتخاب نسخه است.

مقایسهٔ تعداد ابیات دیوان شعرا در چاپ نفیسی و دیگر مصححان

در زمینه تعداد ابیات و اشعار، با توجه به شیوه‌ها و شگردهای نفیسی نسبت به دیگر مصححان، تفاوت‌هایی دیده می‌شود:

الف) دیوان انوری

مجموع اشعاری که نفیسی در *دیوان انوری* جمع کرده، به ۱٤۷۲۲ بیت می‌رسد که شامل ۲٤٤ قصیده، ۵۵٤ قطعه،۳۳۲ غزل، ٤۷٤ رباعی و ۱۵٤ بیت مثنوی در هجو قاضی کیرنگ است.

مدرس رضوی مجموع اشعار گرد آورده خود را در *دیوان انوری* بالغ بر ۱۳۳۰۰ بیت دانسته است (انوری، ۱۳۳۷، ۱۵٤/۱) که شامل ۲۰۷ قصیده، ٤۹٤ قطعه، ۳۲۳ غزل و ٤٤٤ رباعی است.

در بخش قصاید، سه قصیده (۱۰٤ بیت) در چاپ رضوی هست و در چاپ نفیسی نیست؛ از تعداد قصایدی که در چاپ نفیسی بیشتر است، ۱۸ قصیدهٔ آن در چاپ رضوی جزو قطعات آمده است و در مجموع حدود ٤۲۰ بیت، قصاید چاپ نفیسی بیشتر است

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

و اگر سه قصیده در مدح رکن‌الدین پیروز شاه را ـ که مجموعاً ۹۸ بیت دارد ـ از آن خارج کنیم، حدود ۳۲۲ بیت، قصاید این چاپ بیشتر است. در بخش غزلیات نُه غزل (٦٤ بیت) در چاپ رضوی وجود دارد که در چاپ نفیسی نیامده است. در مقابل، ۲۱ غزل (۱۲۱ بیت) چاپ نفیسی در چاپ رضوی نیست.

در بخش قطعات، ٦٥ قطعه (۳۲۰ بیت) در چاپ رضوی هست که در چاپ نفیسی دیده نمی‌شود؛ در مقابل، ۱۵۱ قطعه (۸۰٦ بیت) در چاپ نفیسی هست و در چاپ رضوی نیامده است.

در بخش رباعیات، ٥٤ رباعی چاپ رضوی در چاپ نفیسی نیست؛ درمقابل هشتاد رباعی چاپ نفیسی در چاپ رضوی درج نشده است. درمجموع ١٦٧٠ بیت شعر چاپ نفیسی در چاپ رضوی نیامده و حدود ٦٠٠ بیت چاپ رضوی، در چاپ نفیسی دیده نمی‌شود.

یکی از دلایل بیشتر بودن اشعار چاپ نفیسی ـ که مزیّتی هم برای آن محسوب می‌شود ـ درج اهاجی است که بیانگر شخصیت و روحیات انوری است، در صورتی که مدرس رضوی تنها چند قطعه از آن‌ها را آورده است. اشعاری هم وجود دارد که دیگران به انوری نوشته‌اند و انوری به‌آن‌ها پاسخ گفته است. این اشعار در کنار جواب انوری در چاپ نفیسی ذکر شده و نمونه آن‌ها را در صفحات ۳۱۵، ۳٥٦، ۳٥۹، ۳۸۳، ٤۲٦، ٤۲۷، ٤٤۲، از این چاپ می‌توان دید.

ب)دیوان عراقی

تعداد اشعار *دیوان عراقی* در چاپ نفیسی به ٤۸۰۸ بیت می‌رسد و اگر مثنوی *عشاق‌نامه* را به آن اضافه کنیم، این تعداد به ٥۸۷۲ بیت می‌رسد، در حالی که در چاپ محتشم، اشعار اصلی نسخه (نسخهٔ اساس ایشان) ۳٦۱٦ بیت است و به همراه ملحقات و اشعار تکراری، به ٤٤۷۷ بیت و با مثنوی *عشاق‌نامه*، ٥٥٥٦ بیت می‌شود.

ج)دیوان عطار

تعداد اشعاری که نفیسی در *دیوان عطار* گردآورده، در مقایسه با چاپ تفضلی، اندکی کمتر است؛ برای نمونه در چاپ نفیسی ۲۷ قصیده و ۷۹٤ غزل هست و این تعداد در چاپ تفضلی به ۳۰ قصیده و ۸۷۲ غزل می‌رسد و اگر غزلیاتی را که در مقدمه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

آمده بر آن بیفزاییم، ۸۷۲ غزل می‌شود؛ اما هنوز نمی‌توان مدعی شد که این دو چاپ کامل باشد؛ زیرا برخی اشعار در یک چاپ هست و در دیگری نیست. نمونهٔ واضح آن قصیده‌ای است که نفیسی در چاپ اول در ملحقات آورده و در مقدمه یادآورشده «در رسائلی که در تصوف قادریان است، به نام عین‌القضات آمده، ولی مقداری از آن در *ریاض‌العارفین* و *بستان‌السیاحه* و *تذکره میرتقی کاشانی* جزو اشعار عطار آمده است» (عطار نیشابوری، ۱۳۱۹: ت). این قصیده به عنوان "مثنوی عطار" چندین بار در لکنهو به چاپ رسیده است (همان، ۳۸۸) و بیشتر در شبه قاره مورد استقبال قرارگرفته و به قصیده رائیه معروف است و فقط در پاکستان حداقل چهل نسخه خطی از این قصیده، خارج از نسخ دیوان، در کتابخانه‌های مختلف نگهداری می‌شود وحتی شروحی هم بر آن نوشته‌اند (سلیم اختر، ۱۳۷۵: ۱۱۸). جز این، اشعار دیگری هم در تذکره‌ها به وی نسبت داده‌اند و در این دو چاپ نیست؛ به عنوان مثال ابیاتی که در *سیرالاولیا* (ص۵۱۷، ۵۲۶، ۵۱۹) به وی نسبت داده شده در هیچ‌کدام از این دیوان‌ها دیده نمی‌شود (همان، ۱۸٤).

مقایسهٔ تعداد ابیات قالب‌های شعری در چاپ نفیسی و دیگر مصححان

در تعداد ابیات هر قالب شعری نیز اختلافاتی هست که چندان چشم‌گیر نیست، اگر *دیوان انوری* را در نظر بگیریم، در پاره‌ای قصاید نسخه نفیسی گاه یک دو بیت افزونی دارد، در برخی مواقع این ابیات در چاپ رضوی در حاشیه‌آمده و گاه نیز اصلاً بدان اشاره‌ای نشده است. این اشعار با توجه به نسخه‌بدل‌های رضوی از نسخه‌های قرن دهم و یازدهم است. البته این اشعار در چاپ نفیسی تصحیح شده و نمونه آن ابیات ۲۲۱۲ و۲۲۱۳ است. تنها تفاوت چشم‌گیر در تعداد ابیات قصاید، قصیده‌ای است به مطلع:

به نیک طالع و فرخنده روز و فرخ فال به سعد اختر و میمون زمان و خرم حال

که در چاپ نفیسی، نوزده بیت افزونی دارد و این قصیده در چاپ رضوی، در قدیم‌ترین نسخه موجود نبوده است. البته نمونه‌هایی نیز وجود دارد که نفیسی آن‌ها را نیاورده است. در *دیوان عطار*، تفضلی بیت زیر را:

هیچ مرغی برنیارد بما تازان زمان گرهمه طاووس چرخ است آن زمان پران کنیم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

مغشوش و الحاقی دانسته است (عطار نیشابوری، ۱۳٦۸: ۵۸۹). این بیت در نسخهٔ کتابخانه سلطنتی (قدیم‌ترین نسخه چاپ نفیسی) وجود داشته، اما نفیسی آن را نیاورده و اشاره‌ای هم بدان نکرده است.

دیدگاه نفیسی در خصوص اشعار مشکوک در نسخه‌ها و یا منسوب به شاعران

در اغلب دواوین شاعران، خواه ناخواه از قدیم‌الایام اشعاری از دیگر شعرا راه یافته است؛ «حتی سنایی غزنوی هم که *دیوان مسعود سعد* را جمع‌آوری کرده، اشعاری از دیگران را سهواً به نام مسعود آورده است» (نظامی عروضی، ۱۳٦۸: ۱٤۹)، بنابراین، وارد شدن این اشعار در متون تصحیح شده در دوره اخیر، جای شگفتی ندارد.

در *دیوان انوری* چاپ نفیسی، قطعاتی با عنوان‌های: در شکایت (ص۳۸۸)، در حق خود گوید (ص۳۹۷)، در قضا و قدر گوید (ص٤۰۲) و فی‌النصحیة (ص٤٦۰)، به سنایی نسبت داده شده و نفیسی بدان‌ها اشاره نکرده است، ولی مدرس رضوی که خود *دیوان سنایی* را تصحیح کرده، به این اشعار اشاره دارد (انوری، ۱۳۳۷،۱/۱٦۰). نفیسی سعی می‌کند هر شعری را که در نسخه‌ها به نام شاعر ثبت شده، بیاورد. در این زمینه در جایی می‌گوید:

> «توقع شاهکار درجه اول از سرایندگان داشتن، یک گونه زیاده‌روی است و هر مرد بزرگی ممکن بوده است روزی سخن سستی هم گفته باشد؛ همه اشعار ثبت شده به نام آن‌ها را با نشان دادن مآخذ باید چاپ کرد و سلیقه شخصی را در کار نیاورد» (نظامی گنجوی، ۱۳۳۸: ۲۱۲-۲۱۳).

البته او دیدگاه‌های انتقادی را از دست نمی‌دهد و در اکثر متونی که تصحیح کرده، با ارائه استدلال‌هایی از تاریخ و سبک و سیاق اشعار و زندگی شعرا، انتساب برخی از اشعار را از شاعری سلب می‌کند و به دیگری منسوب می‌دارد و تا حد امکان با جستجو در منابع، به همهٔ آن‌چه دیگر منابع به نام دیگری ضبط کرده‌اند، اشاره می‌کند، با این همه، هنوز ظرفیت انتساب برخی از این اشعار به دیگران وجود دارد و گاه نفیسی در این زمینه اهمال ورزیده، یا نخواسته اشاره کند؛ برای نمونه در *رباعیات بابا افضل*، نفیسی دو رباعی ۱۳٤ (ص ۱۱٦) و رباعی ٤۷۰ (ص ۱۸۳) را از رودکی می‌داند،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

درحالی که رباعی ٤۳٤ نیز که نفیسی به خیام منسوب داشته (مرقی کاشانی، ۱۳۱۱: ۱۷٦) به نام رودکی ثبت است و خود نفیسی جزو اشعار رودکی آورده است (نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰٤٦). یا قطعه‌ای به مطلع:

آمد آن رگ‌زن مسیح‌پرست تیغ الماس‌گون گرفته به دست

(انوری، ۱۳۳۷: ۳۳۷)

به چندین نفر دیگر منسوب است و نفیسی در جایی دیگر این نکته را یاد آور شده است (نفیسی،۱۳۳۵: ۲۰)، ولی در *دیوان انوری* اشاره‌ای نمی‌کند.

در تثبیت شعری برای درج در دیوان شاعر، در برخی متون، ملاک‌های نفیسی چندان یکدست نیست. در *دیوان رشید وطواط* ـ چنان‌که نفیسی اذعان می‌کند ـ در نسخه‌ای از قرن هشتم در کتابخانه دانشگاه مدراس در هند، دو قطعه، یکی از رضی‌الدین نیشابوری در حق رشید، و دیگر جواب رشید بدو هست. نفیسی این اشعار را ذکر می‌کند (رشید وطواط، ۱۳۳۹: ۲٤-۲۵) و هر چند در نسخه‌های دیوان رشید نیست، چون سفینه را متنی کهن می‌داند، تصدیق می‌کند. کامل نبودن نسخه‌های دیوان رشید و قدمت سفینه، دلیلی است صائب در درج این اشعار، اما گاه این دلایل و ملاک‌ها چندان موجّه نیست. گاه ملاک نفیسی، بودن شعر در نسخه دیوان شاعر است؛ مثلاً نفیسی قطعه شعری به مطلع زیر را که در ستایش خاوران است، از دولتشاه نقل می‌کند:

تا سپهر صیت‌گردان شد به خاک خاوران تا شبانگاه آمدش چارآفتاب خاوری

(انوری، ۱۳۳۷: ۷)

و مسلم است که از انوری نیست، اما چون در چاپ تبریز آمده است، در دیوان وارد می‌کند (همان، ٤٦۵) و از طرفی، در مقدمه، یک رباعی به نقل از *نتایج‌الافکار* ذکر می‌کند (همان، ۳۱)، ولی چون در نسخه‌های دیوان نبوده است، در متن نمی‌آورد.

نمونهٔ دیگر این عدم یکدستی در اشعار مغشوش نیز مشاهده می‌شود که گاه (مثل *دیوان انوری*) نفیسی آن‌ها را آورده، و گاه (مثل *دیوان عطار*) نیاورده است.

در اشعار منسوب نیز چنین است. نفیسی در کتاب *رباعیات باباافضل* اشعاری (۳۱ رباعی) را به ابوسعید نسبت می‌دهد (مرقی کاشانی، ۱۳۱۱: ۸۵) و سال‌ها بعد در کتاب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

سخنان منظوم ابوسعید، چهل رباعی را به بابا افضل منسوب می‌دارد (نفیسی، ۱۳۵۰: ٥٦)، ولی از اشعاری که در کتاب اول به ابوسعید منسوب داشته، هفت، هشت رباعی را در سخنان منظوم، جزو رباعیات ابوسعید نیاورده است. البته در رباعیات ـ به‌ویژه رباعیات عرفا ـ این نکته را باید افزود که همواره این انتساب به دیگران وجود داشته است. نفیسی ۱٦۸ رباعی در *کلیات عراقی* چاپ خود آورده که این تعداد در چاپ محتشم ۲۰٤ رباعی است؛ هشتاد رباعی از نسخه محتشم در چاپ نفیسی نیامده و ٤٥ رباعی نفیسی هم در متن اصلی محتشم نیست و در ملحقات ذکر شده و ۱۲ مورد از آن نیز در حاشیه به نام دیگران ذکر شده است.

در رباعیات ابوسعید نیز برخی رباعیاتی را که نفیسی به ابوسعید منسوب می‌دارد، با دلایلی می‌توان رد کرد (نجم‌الدین رازی،۱۳۵۲: ٦٤۳ و ٦٤۹).

مقایسهٔ دیدگاه‌های انتقادی نفیسی و دیگر مصححان

نفیسی، نسبت به مصححان پیش از خود، چه در تشخیص اشعار شاعران و چه در بررسی دیدگاه مؤلفان (شاعران، نویسندگان) و اشاره بدان و نوع ضبط‌های نسخ، دیدگاه‌های انتقادی بیشتری دارد. در *دیوان رشید وطواط* درباره شعری که به قوامی گنجوی منسوب است، با این استدلال که در مدح ارسلان اتابیک آذربایجان است، انتساب آن را به رشید دشوار می‌داند (رشید وطواط، ۱۳۳۹:۲۲۱). در *دیوان عطار* درباره غزلی به مطلع:

ای ز رشک روی خوبت چهره چون زر آفتاب
چون لبت هرگز نپرورده است گوهر آفتاب

چون در نسخه‌های معتبر "ب" و "د"، نیامده، در انتساب آن به عطار تردید می‌کند (عطار نیشابوری، ۱۳۱۹: ٥٤) و این حدس درست است، و این غزل نه تنها در نسخه متعلق به سال ۷۳۱، بلکه در قدیم‌ترین نسخه متعلق به سال ٦۸۲ و دو نسخه اصلی دیگر تفضلی هم وجود ندارد.

در *کلیات عراقی*، به علت تفاوت بسیار نسخ، اشعار را آورده و در حاشیه شماره ابیات تکراری و تفاوت برخی نسخ را گزارش کرده است. در *رساله فریدون سپهسالار* برای نخستین بار برخی از اشکالاتی را که از مؤلف رساله و یا کاتب او سرزده، روشن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

کرده است (سپهسالار، ۱۳۲۵: ۱۹۸و ۳۸۰-۳۷۹). تغییرات در ضبط‌های *رباعیات بابا افضل* چاپ نفیسی و چاپ مصححان (فیضی و...) بسیار اندک است، به‌طوری که از ٤۸۳ رباعی که نفیسی گرد آورده، تنها حدود ۱۳۰ رباعی آن با چاپ مصححان متفاوت است. باید توجه داشت که نفیسی برخی رباعیات را از نسخه‌ای استخراج کرده که تعداد آن‌ها به ۲۱۰ رباعی می‌رسد، و از این تعداد حدود ۱۱۰ مورد آن در چاپ مصححان دیگر هیچ تفاوتی ندارد و ٤۲ رباعی از آن‌هایی است که فقط در نسخه نفیسی بوده، ولی بقیه رباعیات در دیگر نسخه‌های مصححان نیز وجود داشته است.

در زمینه اشکالات قافیه ـ که در دیوان برخی شعرا وجود دارد، در اکثر این تصحیحات مواردی دیده می‌شود و گاه مصححان اشاره کرده و گاه بدون اشاره رها کرده‌اند. برخی از این موارد در تصحیحات نفیسی و بعد از آن مشترک، و ناشی از اشکال نسخ بوده است. برخی نیز در تصحیحات بعد با توجه نسخه‌های نو یافته، تصحیح شده است. مواردی نیز دیده می‌شود که به شیوهٔ مصححان مربوط می‌شود؛ چنان‌که با توجه به تقیّد تفضلی به اقدم نسخ، در یکی از غزلیات کلمات ″مراعات و طامات″ در قافیه تکرار شده است (عطار نیشابوری، ۱۳٦۸: ۱۱-۱۲، غزل۱۷).

تاریخ بیهقی چاپ نفیسی نسبت به چاپ غنی و فیاض و گاه حتی چاپ مشهد ـ چنان‌که برخی محققان نیز اذعان دارند ـ در برخی موارد ضبط‌های مناسب‌تری دارد و دقت‌های تحقیقی نفیسی قابل توجه است. برای نمونه به جای جملهٔ «نوشتکین ولوالجی اگر بد کرد خود پیچید» (بیهقی، ۱۳۱۹: ۵۵۳)، در چاپ غنی و فیاض آمده: «نوشتگین و بواجی اگر بد کردند خود بیحد دیدند» (بیهقی، ۱۳۲٤: ٤۵۵) و در واقع ″نوشتگین ولوالجی″ دو فرد به حساب آمده و این در حالی است که در همین چاپ اخیر در چند جای دیگر (از جمله صص ٤۸۱ و ٤۸۸) کلمه مذکور صحیح ضبط شده است. نمونهٔ دیگر در همین کتاب، کلمهٔ ″اردو″ است، نفیسی این کلمه را در متن نمی‌آورد و به جای آن، ″باوردی″ منسوب به باورد ضبط می‌کند: «تا ما بازگردیم و به هریو رویم و شما آن‌جا رسولان باوردی فرستید و شرط خدمت به‌جای آرید» (بیهقی، ۱۳۱۹: ۷۱۲۹). فیاض این کلمه را ″اردو″ ضبط می‌کند (بیهقی، ۱۳۲٤: ۵۸۵) و تنها در چاپ مشهد اشاره می‌کند که: «این کلمه در این کتاب غریب است» (بیهقی، ۱۳۵۰: ۷۷۷).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

علل برخی غموض و مشکلات در متون مصحح

گذشته از برخی اشکالات نظیر اشکال قافیه، نکاتی نیز وجود دارد که دیدگاه‌های برخی از این مصححان نتوانسته آن‌ها را جواب گوید. مثلاً در *تاریخ بیهقی* در عبارت «و ما را از مولتان بازخواند و به هرات باز فرستاد و چون قصد کرد و ما با وی بودیم و حاجب از گرکانج به کرمان آمد». نفیسی در حاشیه توضیح می‌دهد: «گویا درست‌تر گرگان بوده باشد؛ زیرا که محمود تا جایی که تاریخ گواهی می‌دهد هرگز به کرمان نرفته است» (بیهقی، ۱۳۱۹: ۹۱).

فیاض نیز در چاپ اول (بیهقی، ۱۳۲٤: ۸۹) و چاپ مشهد (بیهقی، ۱۳۵۰: ۱۰۲ و ۹۷۳)، چنین نظر می‌دهد و در متن به "گرگان" اصلاح می‌کند؛ «اما ظاهراً همان کرمان صحیح است و در *تاریخ جهانگشا* چند جا (از جمله ۱۰۸/۱ و ۱۳۹/۲) آمده است و قزوینی توضیح داده که مقصود کرمان غزنه است نه کرمان معروف» (بیهقی، ۱۳۵۸: ۸۱۷).

اشکالاتی نیز وجود دارد که در اصل منابع بوده است؛ در صفحهٔ دوم *رساله فریدون سپهسالار* چاپ نفیسی، اشعاری هست (چهار بیت) و در بالای آن گوینده را "حضرت مولانا" نوشته‌اند و نفیسی در *کلیات شمس* چاپ لکنهو ـ که در اختیار داشته ـ نیافته است. در متن چاپ جدید رساله به گوینده این اشعار تصریح نشده و در واقع از آنِ کمال‌الدین اسماعیل است (سپهسالار، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

خصیصهٔ امانت‌داری مصحح

یکی از اصول مهم در تصحیح متون، علاوه بر علم و تبحّر در موضوع، متحلّی بودن مصحح به خصیصهٔ امانت‌داری است. جلال‌الدین همایی در عمل عرض و مقابله، علاوه بر شرط علم و سواد، این مهم را شرط اساسی کار مصححان می‌داند و می‌نویسد:

«... از پیش خود هیچ تصرف در گفته‌ها و نوشته‌های دیگران نکنند و تا جمله و کلمتی را درست نخوانده باشند، در متن یا نسخه‌بدل‌ها ننویسند و حروف و کلمات مشتبه متشابه را هم‌چنان عیناً بدون مداخلت ذوق و سلیقه شخصی نشان بدهند و اگر احیاناً چیزی به نظرشان رسید آن را در متن درج نکنند» (همایی، ۱۳٦۱: ۷۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

چنان‌که بیان داشتیم، نفیسی در صورت اشکال نسخ، شمّ فقاهتی را ارجح می‌داند و اجازه دخالت به مصحح می‌دهد. در تصحیحات وی گاه افتادگی نسخ در قلاب [] آمده و موارد تصحیح قیاسی نیز به علامت خاص خود "ظ" مشخص شده است.

در متون منظوم نمونه‌هایی از ذوقیات وی را با مقایسه کتاب *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی* ـ که بدون نسخه‌بدل است ـ با کتاب *احوال و اشعار رودکی* که مشتمل بر نسخه‌بدل است، می‌توان دید.

در متون نثر، از جمله *لباب‌الالباب*، نفیسی تصحیحاتی اعمال می‌کند که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول آن‌هایی است که به اصلاح شدن آن‌ها در تعلیقات اشاره شده و نمونه واضح آن بیت شعری از نظامی است که وحید دستگردی با همه تفحّص در شعر نظامی به صورت:

بزنخ عمر بسردی خوش دوزخی ناشده رفتی به بهشت

نوشته (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۲۵۸) و قزوینی آن را به صورت:

بر نخ عمر به سر بردن خوش دوزخی ناشده رفتی به بهشت

آورده است (عوفی،۱۳٦۱: ۸۸٤) و نفیسی مشکل را گشوده و به شکل:

برزخ عمر به سر بردی خوش دوزخی ناشده رفتی به بهشت

تصحیح کرده است (عوفی، ۱۳۳۵: ۵۳۰).

دسته دوم آن‌هایی است که بدون اشاره رها شده است. دربارهٔ جمله: «گل لعل چون باران آبدار از اثر خورشید قدرت جبار در معدن زمین منعقد گشته» (عوفی،۱۳٦۱: ۳۷۸)، قزوینی در تعلیقات اشاره کرده که: ترکیب "باران آبدار" باید غلط باشد (همان، ۵۱). این جمله در چاپ نفیسی تغییر چشم‌گیری دارد و به صورت: «گل لعل آبدار از عون باران بهار از اثر خورشید قدرت جبار در معدن زمین منضد گشته» ضبط شده است (عوفی، ۱۳۳۵/۱).

نقدی بر شیوهٔ نفیسی در متون دارای نسخه‌بدل

در شیوه‌ای که نفیسی در برخی تصحیحات خود بیان می‌کند، با آن‌چه انجام می‌دهد به نکاتی می‌توان اشاره کرد؛ در *تاریخ بیهقی*، نفیسی چاپ کلکته را به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

رمز "ک" اساس کار قرار می‌دهد و در مواقع ناراستی این چاپ، از آن عدول و از چاپ تهران به رمز "ط" استفاده می‌کند، ولی گاه این نکته فراموش می‌شود.

در عبارت: «و غلامی را از آن خواجه نیز به حاجبی نامزد کردند، با قبای رنگین، که حاجب خواجگان را در سپاه رسم نباشد» (بیهقی، ۱۳۱۹: ۱۷۴-۱۷۵)، در چاپ تهران به جای "درسپاه" "در برسیاه" بوده و با توجه به بحث از لباس خواجگان که سیاه می‌پوشیده‌اند، نسخه‌بدل صحیح است، یا دست کم "در سیاه" که در دو چاپ دیگر (بیهقی، ۱۳۲۴:۱۵۵ و بیهقی، ۱۳۵۰:۱۹۰) نیز ضبط است. این کلمه در جاهای دیگر چاپ نفیسی (از جمله ص ۵۲) نیز دیده می‌شود و صحیح و به صورت "سیاه" آمده است.

در این موارد که نفیسی امکان انتخاب به خود می‌دهد، گاه ضعف‌هایی در کار او مشاهده می‌شود. در *رساله فریدون سپهسالار*، نفیسی گاه نسخه‌بدل‌های کانپور را به متن برده و گاه متن را تغییر نداده است؛ در این کتاب هنوز مواردی دیده می‌شود که نسخه‌بدل صحیح‌تر است. در جمله: «... چون امرای خوارزمی ایشان را دیدند تفحص حال ایشان کردند، گفتند: ما از اتراک این ناحیتیم، قدیما اجداد ما از آب ارمویه بودند» (سپهسالار، ۱۳۲۵: ۱۷). در نسخه‌بدل چاپ کانپور، به جای "ارمویه" "آمویه" بوده است، نفیسی در تعلیقات ارمویه را نام قدیم ارومیه دانسته‌اند (همان، ۱۹۷). گرچه اظهار نظر نفیسی از نظر لغوی صحیح است، نسخه‌بدل کانپور معتبر است و سیاق داستان نیز این نکته را اثبات می‌کند؛ چرا که سلطان کیقباد و چندتن به جاسوسی رفته‌اند و مسلماً به خوارزمیان خواهند گفت که اجداد ما از منطقه شما (آمویه) که جیحون باشد، بوده‌اند.

نکته‌هایی دیگر در متون مصحح

الف) غلط‌های چاپی

در اکثر این تصحیحات نکاتی وجود دارد که می‌توان به غلط‌های چاپی مربوط دانست؛ اشکالاتی که در غلط‌نامه‌های پایانی ذکر نشده و به نحوی مخفی مانده است؛ در *دیوان عطار* چاپ نفیسی بیت:

دم مزن گر همدمی می‌بایدت خسته شو گر مرهمی می‌بایدت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

در چاپ اول (ص ۱۰۵بیت ۲۵۳۳) و چاپ دوم (ص ۷ بیت ۱٦۸) به شکل مذکور ضبط شده؛ در چاپ سوم (ص ۱۰۸ بیت ۲۵۳۳) کلمه ″خسته″ به ″چست″ تبدیل شده است. این واژه در چاپ تفضلی هم ″خسته″ است (عطار نیشابوری، ۱۳٦۸: ۱٤، غزل ۲۱) و چون نفیسی در چاپ اخیر فقط غلط‌های واضح را تغییر داده است؛ گرچه این ضبط بی‌مفهوم نیست احتمال می‌رود اشتباه مطبعی باشد. در همین کتاب بیت:

دمی خوش است مکن صبحدم، دم سردی که همدم است مرا یار مهربان امشب

(عطار نیشابوری، ۱۰۳:۱۳۳۹، غزل۱۲)

در چاپ تفضلی به جای واژه ″سردی″ کلمه ″مردی″ ضبط شده است (عطار نیشابوری، ۱۳٦۸: ۱۱-۱۲، غزل ۱۵) و در این‌جا نیز همین احتمال وجود دارد.

ب)دقت‌های تحقیقی

با دقت در آثار نفیسی،گاه به سهوهای اندکی برمی‌خوریم، که البته چندان چشم‌گیر نیست. مثلاً نفیسی در چاپ دوم *دیوان عطار* مدعی است اشعاری را که در چاپ اول در مقدمه و ضمایم بوده، در متن وارد کرده است (عطار نیشابوری، ۱۳۳٦-۱۳۳۵: الف)، ولی غزلی را به مطلع:

دوش در آمد ز درم نیم‌مست توبه دیرینه ما را شکست

که در ملحقات بوده (عطار نیشابوری، ٤۰۲:۱۳۱۹)، نیاورده است. گرچه این غزل در چاپ تفضلی هم وجود ندارد، ظاهراً نفیسی این غزل را فراموش کرده است. هم‌چنین در مقدمه چاپ سوم، بازمانده برخی اشعار عطار را ذکر می‌کند و معتقد است بازمانده آن‌ها را در جایی نیافته است (عطار نیشابوری، ۱۳۳۹: ٦-۹)؛ از همین اشعار دو بیت:

ای دل ز جفای یار مندیش در نه قدم و ز کار مندیش
جوینده درّ ز جان نترسد گل می‌طلبی ز خار مندیش

در متن جزو غزلی نُه بیتی (همان: ۳۲٤، غزل ٤۰۹) آمده است.

ج) متون کمکی و ملاحظات مربوط

استفاده از متون مربوط به موضوع، به عنوان متون کمکی در تصحیح هر متنی، به‌ویژه دیوان شعرا، لازمه یک تصحیح خوب است (مایل هروی، ۱۳۸۰: ٤٤۳). آثار نفیسی این امتیاز را دارد و در آن منابع مختلف ملاحظه شده است. نفیسی در *دیوان*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

انوری، دو شرح شادی‌آبادی و فراهانی را نیز برمی‌گزیند و عموماً در متون نظم، اکثر تذکره‌ها، سفینه‌ها، متون تاریخی و... را ملاحظه می‌کند. گاه سرچشمه‌های آثار و آثاری را که مؤلفان هم‌عصر یا نزدیک وی از آن سود جسته‌اند نیز از یاد نمی‌برد. در *رساله فریدون سپهسالار* برخی حکایات و اشعار و اعلام رساله را از کتاب *مناقب‌العارفین* نشان می‌دهد. متونی که به نحوی در ارتباط با آثار مؤلف هستند، نیز از یاد نمی‌رود. در *دیوان رشید وطواط* کتاب *حدایق‌السحر فی دقایق‌الشعر* را می‌گنجاند، در چاپ اول *دیوان عطار*، رساله نورالدین عبدالرحمان جامی در شرح قصیدهٔ عطار و شرح آذری را می‌آورد و بر مزیت کتاب می‌افزاید.

د) منابع اشعار

اهمیت دیگر تصحیحات نفیسی در این است که نسخه‌های مورد استفاده خود را از مراکز فرهنگی سراسر جهان گرد آورده و برخی از آن‌ها به دست مصححان بعد هم نرسیده و شاید هنوز هم به دست نیامده باشد. چون نفیسی اشعار برخی شاعران را به مرور گرد آورده و در برخی متونی که اشعار آن را از منابع مختلف جمع‌آوری کرده (مثل *دیوان عمعق*)، گاه هنگام استنساخ اشعار، منبع آن‌ها را ننوشته است، بنابراین، اشکالی که پیش می‌آید، این‌که نفیسی در برخی تصحیحات خود (مثل *سخنان منظوم ابوسعید*) گاه به منبعی اشاره می‌کند که خود سال‌ها پیش، از منابع مختلف گرد آورده است.

ساختار ظاهری در تصحیحات نفیسی

از لحاظ ساختار ظاهری متون مصحح نفیسی نسبتاً یکدست هستند و اصول نگارش در آن‌ها رعایت شده است. نقطه‌گذاری چه در متون نظم و چه در متون نثر دیده می‌شود، گرچه عده‌ای نقطه‌گذاری متون را مناسب نمی‌دانند (امامی، ۱۳۷۷: ۱۱۵)، نفیسی در این عمل موفق بوده است.

در شماره‌گذاری اشعار، گرچه مانند برخی تصحیحات جدید، اشعار (قصیده، غزل و...) شمارش نشده، شماره ابیات پنج بیت، پنج بیت در کنار یا مابین دو مصراع ذکر شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

در شماره‌هایی که مصححان گاه برای توضیح در تعلیقات در نظر می‌گیرند، در تعلیقات *لباب‌الالباب* با این‌که در هر صفحه به سطور آن ارجاع داده شده، شماره سطرها در متن نیامده است.

در *گشایش و رهایش* ـ که فقط یک نسخه خطی وجود داشته ـ بر اساس اصول انتقادی تصحیح متون، شماره صفحه نسخهٔ اصلی را در حاشیه چاپ نوشته‌اند. در همین کتاب در نسخه اصل، گاهی به جای "کی" "که" و به جای "ج" "چه" و به جای "دال" "ذال" و در کلمات مختوم به الف گاهی "ء" و گاهی "ی" بوده است. نفیسی همه‌جا عیناً املای اصل نسخه را رعایت می‌کند و تصرفی روا نمی‌دارد. از این کتاب تنها یک نسخه در دست بوده، بنابراین، این عمل را می‌توان با چاپ عکسی مطابق دانست (سمیعی، ۱۳۷۵: ۱۱۱). این موارد، چنان‌که خود نفیسی هم اشاره دارد، جزو رسم‌الخط نسخه است (ناصر خسرو، ۱۳٤۰: ج ـ د) و به گونه‌های زبانی کاتبان مربوط نیست (مایل هروی، ۱۳٦۹: ۱٦۸-۱۷۲)؛ اصولاً در این موارد که کاتب شیوهٔ واحدی ندارد، اعمال شیوه‌ای واحد بر مصحح لازم است (برگشتراسر، ۱۳۷۰: ۱۲٦).

در تصحیحات نفیسی، اشعار معمولاً منظم است. قصاید براساس ردیف و دیگر اشعار برحسب حروف پایانی قافیه تنظیم شده و حتی گاه (مثل *دیوان عراقی*) رعایت قوافی به ترتیب حروف هجا و حتی حرف پیش از روی و ردیف شده است و مرز آن‌ها مشخص شده و در جای خود آمده است، اما در *دیوان رشید وطواط*، قصاید فقط براساس حرف آخر قافیه الفبایی شده و دیگر حروف لحاظ نشده و ترکیبات و ترجیعات منظم نیست؛ به‌طوری‌که پنج ترجیع‌بند اول به روش قصاید منظم شده، ولی از ترجیع ششم این نظم به هم خورده است.

پژوهش‌نامهٔ انتقادی مصحح

در زمینه مقدمه و تعلیقات ـ که معمولاً بر مصحح است که بر متن بنگارد ـ تصحیحات نفیسی قابل توجه است. وی بر اکثر متون مقدمه‌هایی کشاف نگاشته است؛ نگارش احوال شاعران و بررسی انتقادی آرای تذکره‌نویسان گذشته برای نخستین بار، پژوهش‌های نفیسی را بر این متون به عنوان پایه و اساس تحقیقات بعد ارزش می‌نهد. نخستین بودن این پژوهش‌ها باعث شده تا بیشتر تلاش وی به روشن کردن نکات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

تاریک ـ روشن زندگی مؤلفان منجر شود و بحث از هنر شعر و نویسندگی آن‌ها کمتر به میان آید. گرچه برخی از این متون خالی از تعلیقات و حواشی است، در متونی که نفیسی تعلیقاتی می‌نگارد، برخلاف برخی مصححان که کار خود را به نکات ابتدایی و در دسترس، یعنی معنی کردن آیات قرآنی و احادیث و ضرب‌المثل‌ها محدود می‌کنند، نفیسی بیشتر تلاش خود را صرف گشودن غموض و مشکلات می‌کند. البته نکات مزبور را نیز همیشه رها نمی‌کند و گاه به منابع ارجاع می‌دهد. تعلیقات کامل ادبی و تاریخی نفیسی بر کتاب *تاریخ بیهقی* نکات زیادی را روشن ساخت؛ مطالبی که می‌توان از آن چندین رساله و مقاله استخراج کرد،

«به‌طوری‌که آن‌چه دربارهٔ خانان ترکستان (آل افراسیاب) نوشت، خود کتابی است مفصل در باب این خاندان که نه فقط مکمل تحقیقات بارتولد در باب ترکستان است، بلکه از حیث جامعیت و وسعت، از کارهای این محقق بزرگ روسی ـ که او را گیبون ترکستان خوانده‌اند ـ نیز کامل‌تر است» (زرین‌کوب، ۱۳۵۱: ۴۹).

نتیجه‌گیری

سعی نفیسی در متون منظوم، به دست دادن تمام اشعار شاعر است. می‌توان گفت روش او تهیه نسخهٔ جامعی از اثر است. باید توجه داشت که این نسخهٔ جامع، با جامع نسخی که در قرون قبل متداول بوده، متفاوت است؛ زیرا در آن زمان، بسیاری از اشعار دیگران در دیوان شعرا وارد می‌شد، اما در این‌جا بینش انتقادی وجود دارد و اگر شعری به دیگری منسوب و یا احیاناً شعری ضعیف باشد، اشاره می‌شود.

گرچه شیوه‌های تصحیح نفیسی در برخی متون مصحح با شیوه‌های رایج عصر کاملاً مطابقت ندارد، با توجه به نسخه‌هایی که در دست داشته، اکثر ضبط‌های او روایت‌هایی مناسب است و نیامدن نسخه‌بدل‌ها ـ که تنها به کار محققان می‌آید ـ نمی‌تواند ایرادی اساسی برآن‌ها باشد.

در متون منثور با وجود برخی ضعف‌ها،چون نسخه‌ها معدود بوده است، نسخه‌بدل‌ها مشخص است و برای منتقدان، ظرفیت بحث‌های انتقادی را فراهم می‌کند.

متون بررسی‌شده ما، چون اغلب به نحوی به چاپ رسیده، از دورهٔ اول دوره‌های نقد و تصحیح متون ـ که در مقدمه ذکر شد ـ گذشته‌اند و آن‌هایی هم که اولین بار به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

وسیله نفیسی چاپ شده، دورهٔ اول را گذرانده و به دورهٔ چاپ‌های انتقادی و منقح وارد گشته‌اند. برخی آثاری که بعد از نفیسی دوباره تصحیح و چاپ شده، با این‌که مصححان آن‌ها، از برخی نسخه‌های قدیم‌تر سود جسته‌اند، نمی‌توان مدعی شد که به دورهٔ چاپ نهایی رسیده باشد؛ زیرا ـ چنان‌که در برخی از آثار نشان دادیم ـ حتی در کمال این چاپ‌ها نیز جای تردید است.

با وجود تصحیحات جدید از برخی از این آثار، متون مصحح نفیسی را نمی‌توان یکباره کنار نهاد، وقتی قلمرو زمانی این کارها را با آثار بعد از خود در نظر می‌گیریم، اهمیت این آثار بیشتر روشن می‌شود. تحقیق و پژوهش‌های نفیسی را بر این متون به دلیل این‌که نخستین بحث‌های انتقادی در نوع خود است، باید به صورت مستقل در نظر گرفت.

منابع

افشار، ایرج. (۱۳٤٥). «درگذشت سعید نفیسی». *راهنمای کتاب*. س ۹. ش۵. ص ۲٦۳-٤۷۱.

امامی. نصرالله. (۱۳۷۷). *مبانی و روش‌های نقد ادبی*. تهران: جامی.

انوری ابیوردی. اوحدالدین. (۱۳۳۷). *دیوان انوری*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران: مطبوعات پیروز.

ـــــــــــــــــــــــ . (۱۳۳۷-۱۳٤۰). *دیوان انوری*. به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی. ۲ جلد. تهران: علمی و فرهنگی.

برگشتراسر و عبدالسلام هارون. (۱۳۷۰). *روش تحقیق انتقادی متون*. ترجمه و تألیف جمال‌الدین شیرازیان. تهران: لک لک.

بیهقی. خواجه ابوالفضل محمدبن حسین. (۱۳۵۰). *تاریخ بیهقی*. به تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض. مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ـــــــــــــــــــــــ . (۱۳۲٤). *تاریخ بیهقی*. به تصحیح دکتر قاسم غنی و دکتر فیاض. تهران: بانک ملی ایران.

ـــــــــــــــــــــــ . (۱۳۵۸). *تاریخ بیهقی*. به تصحیح علی‌اکبر فیاض. تهیه فهرست‌ها و تنظیم تعلیقات و حواشی. به کوشش عبدالحسین احسانی. تهران: ایرانمهر.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

ـــــــــــــــــــــــــــــ. (۱۳۱۹، ۱۳۳۲، ۱۳۲۶). *تاریخ مسعودی معروف به تاریخ بیهقی*. با مقابله، تصحیح و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی. ۳ جلد. تهران: سنایی.

تویسرکانی. قاسم. (۱۳۸۳). *نامه‌های رشید وطواط*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

دیچز. دیوید. (۱۳٦٦). *شیوه‌های نقد ادبی*. ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی تهران: علمی.

رشید وطواط. (۱۳۳۹). *دیوان رشید وطواط*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابخانه بارانی.

ـــــــــــــــ. (۱۳٦۲). *حدایق‌السحر فی دقایق‌الشعر*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. چاپ دوم. تهران: طهوری ـ سنایی.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۱). «دربارهٔ سعید نفیسی» [سخنرانی]. *پیام نوین*. د ۱۰. ش ۱. صص ٤٤-۵۳.

ـــــــــــــــــــــــ. (۱۳۷۱). *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها* (از مقالات. نقدها و انتشارات). چاپ چهارم. تهران: اساطیر.

سپهسالار. فریدون بن احمد. (۱۳۸۵). *رساله سپهسالار در مناقب خداوندگار*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد افشین وفایی. تهران: سخن.

ـــــــــــــــــــــــ. (۱۳۲۵). *رساله فریدون بن احمد سپهسالار در احوال مولانا جلال‌الدین مولوی*. با مقدمه، تصحیح و تعلیق سعید نفیسی. تهران: اقبال.

سلیم اختر، محمد. (۱۳۷۵). *هفت گفتار دربارهٔ سنایی و عطار و عراقی*. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

سمیعی، احمد. (۱۳۷۵). «نکته‌هایی در باب تصحیح متون». *دربارهٔ ویرایش*. زیر نظر نصرالله پورجوادی. چاپ سوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

عراقی، فخرالدین ابراهیم. (۱۳۳۵). *کلیات عراقی*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران: سنایی.

عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳٦۸). *دیوان عطار نیشابوری*. به تصحیح تقی تفضلی. چاپ پنجم. تهران: علمی.

ـــــــــــــــــــــــ. (۱۳۱۹). *دیوان قصاید و غزلیات عطار*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

ـــــــــــــــــــــــــ . (۱۳۳۵-۱۳۳٦). *دیوان غزلیات، ترجیعات و قصاید عطار*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران: سنایی.

ـــــــــــــــــــــــــ . (۱۳۳۹). *دیوان قصاید، ترجیعات و غزلیات عطار*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. چاپ سوم. تهران: سنایی.

عنصر المعالی، کیکاووس. (۱۳۱۲). *نصیحت‌نامه معروف به قابوس‌نامه*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران.

عمعق بخاری. (۱۳۳۹). *دیوان عمعق بخاری*. با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران: فروغی.

عوفی، محمد. (۱۳٦۱). *لباب‌الالباب*. از روی چاپ براون و قزوینی و نخبه تحقیقات سعید نفیسی. به کوشش محمد عباسی. تهران: کتابفروشی فخر رازی.

ـــــــــــ . (۱۳۳۵). *لباب‌الالباب*. از روی چاپ اروپا که پروفسور ادوارد براون و علامه قزوینی تصحیح کرده‌اند با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات کامل. به کوشش سعید نفیسی. تهران: کتابخانه ابن سینا ـ کتابخانه حاج علی علمی.

ماسه، هانری. (۱۳٦٤). *تحقیق دربارهٔ سعدی*. ترجمهٔ دکتر محمدحسن مهدوی و دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: توس.

مایل هروی، نجیب. (۱۳٦۹). *نقد و تصحیح متون* (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

ـــــــــــــــ . (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

محتشم، نسرین. (۱۳۷۲). *مجموعه آثار فخرالدین عراقی*. تهران: زوار.

مرقی کاشانی، افضل‌الدین. (۱۳۱۱). *رباعیات بابا افضل کاشانی*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران:کتابخانه دانشکده.

ـــــــــــــــــــــــــ . (۱۳٦۳). *دیوان و رساله المفید للمستفید*. بررسی مقاله و تصحیح مصطفی فیضی، حسن عاطفی، عباس بهنیا، علی شریف. تهران: زوار.

معین‌الدین انوار، قاسم. (۱۳۳۷). *کلیات قاسم انوار*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: کتابخانه سنایی.

ناصرخسرو قبادیانی. (۱۳٤۰).*گشایش و رهایش*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. چاپ دوم. تهران: سازمان چاپ کیهان.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]

نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۵). «حافظ، نسخه نهایی»، *بیست و پنج مقاله در نقد کتاب*. زیر نظر نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. صص۱۹۳-۲۱٤.

نجم‌الدین رازی. ابوبکر (دایه). (۱۳۵۲). *مرصادالعباد*. به تصحیح محمد امین ریاحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۳۸). *دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی*. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی. تهران: فروغی.

نظامی عروضی، احمد. (۱۳٦۸). *کلیات چهار مقاله*. به کوشش محمد بن عبدالوهاب قزوینی. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی اشراقی.

نفیسی، سعید. (۱۳۵۰). *سخنان منظوم ابوسعید*. با مقدمه، تصحیح و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی. چاپ سوم. تهران: سنایی.

ـــــــــــ . (۱۳۸۳). *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*. تهران: اهورا.

ـــــــــــ . (۱۳۱۹). *احوال و اشعار ابوعبدالله جعفربن محمد رودکی سمرقندی*. تهران: کتابفروشی ادب.

ـــــــــــ . (خردادماه ۱۳۲۲). «دو کتاب تازه از ناصر خسرو». *مجله سخن*. س ۱. ش۱. صص ۹۲-۹٦.

وحید دستگردی، حسن. (۱۳۱۸). *گنجینه گنجوی*. تهران: ارمغان.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳٦۱). *مختاری‌نامه. مقدمه دیوان عثمان مختاری*. تهران: علمی و فرهنگی.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.60.16.0]